



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

سیاست تجاری ترامپ: ابعاد و پیامدها (گزارش نخست)



آذر ۱۴۰۳

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

سیاست تجاری ترامپ: ابعاد و پیامدها
(گزارش نخست)

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: آذر ۱۴۰۳

واژه‌های کلیدی: اعمال تعرفه‌های جهانی، تأثیرات بخشی، سیاست تجاری، سناریوهای حداقلی و حداکثری، مؤسسه پیترسون، طرح تعرفه متقابل

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۸	مقدمه
۸	۱. سیاست تجاری ترامپ
۱۴	۲. تأثیرات بخشی
۱۵	۳. تأثیرات جهانی تعرفه‌ها بر اقتصاد دیگر کشورها
۱۸	۴. سناریوهای حداقلی و حداکثری مؤسسه پیترسون
۱۸	۵. طرح تعرفه متقابل
۱۹	۶. تعرفه سنگین بر مکزیک
۲۲	۷. خروج از توافقات تجاری موجود
۲۵	۸. پاسخ‌های احتمالی چین به انتخاب مجدد ترامپ
۲۷	۹. اتحادیه اروپا: ضربه قاطع؟
۲۹	۱۰. نتایج سیاست‌های ترامپ

جدول ۱- اولویت‌های ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری^۱

پیشنهاد سیاستی	دسته‌بندی
۱. کاهش مالیات: تمدید قانون کاهش مالیات ۲۰۱۷؛ پیشنهاد کاهش نرخ مالیات شرکت‌ها به ۱۵٪ برای تولیدکنندگان مستقر در ایالات متحده. ۲. اصلاحات مالیاتی: حذف مالیات بر اضافه کاری، انعام و مزایای تأمین اجتماعی؛ حذف سقف ۱۰,۰۰۰ دلار برای کسر مالیات‌های محلی و ایالتی (SALT). ۳. کارآیی دولت: ایجاد کمیسیونی به سرپرستی ایلان ماسک برای حذف تقلب و پرداخت‌های نادرست ظرف شش ماه.	اقتصاد
۱. تعرفه‌های متقابل: اعمال تعرفه‌هایی که معادل تعرفه‌های اعمال‌شده بر کالاهای آمریکایی توسط سایر کشورها است. ۲. تعرفه‌های عمومی: پیشنهاد تعرفه پایه بر کالاهای خارجی، با احتمال ۱۰٪ تا ۲۰٪ تعرفه بر تمامی واردات. ۳. سیاست در قبال چین: حذف واردات کالاهای اساسی از چین طی چهار سال و اعمال تعرفه‌های تا ۶۰٪ بر واردات از چین.	تجارت
۱. اخراج: انجام بزرگترین عملیات اخراج داخلی در تاریخ ایالات متحده. ۲. امنیت مرزی: تکمیل دیوار مرزی ایالات متحده و مکزیک؛ اجرای سیاست‌های سختگیرانه‌تر مهاجرتی.	مهاجرت
۱. تولید انرژی: افزایش تولید انرژی در ایالات متحده با کاهش مقررات و توسعه صنایع مرتبط با سوخت‌های فسیلی. ۲. سیاست‌های اقلیمی: لغو طرح‌های مقابله با تغییرات اقلیمی دولت بایدن.	انرژی و محیط زیست
۱. قانون مراقبت مقرون به صرفه: لغو و جایگزینی با سیستمی که هزینه‌ها را کاهش داده و رقابت را افزایش دهد. ۲. قیمت‌گذاری دارو: امکان واردات داروهای ارزان‌تر برای کاهش هزینه‌های نسخه‌های دارویی.	بهداشت و درمان
۱. انتخاب مدرسه: گسترش برنامه‌های انتخاب مدرسه. ۲. تغییرات برنامه درسی: ترویج «آموزش میهن‌پرستانه» و حذف «نظریه انتقادی نژاد».	آموزش
۱. قدرت نظامی: بازسازی و مدرن‌سازی نیروی نظامی ایالات متحده. ۲. اتحادها: بازنگری در مشارکت ایالات متحده در اتحادها و سازمان‌های بین‌المللی برای اولویت‌بخشی به منافع آمریکا.	سیاست خارجی
۱. انتصابات قضایی: انتصاب قضات محافظه‌کار با تفسیر محافظه کارانه از قانون اساسی. ۲. دادگاه عالی: نامزدی قضاتی که حامی زندگی و مدافع حقوق متمم دوم قانون اساسی باشند.	قضایی

۱. **تعرفه‌های عمومی و تعرفه‌های خاص چین:** ترامپ پیشنهاد اعمال تعرفه‌های ۱۰ تا ۲۰ درصدی بر همه شرکای تجاری و ۶۰ درصدی بر واردات از چین را داده است که هدف آن کاهش وابستگی به واردات و تقویت صنایع داخلی است.

۲. **پیامدهای اقتصادی داخلی:** اعمال تعرفه‌های گسترده می‌تواند هزینه تولید و مصرف را افزایش داده و منجر به افزایش نرخ تورم در کوتاه‌مدت شود.
۳. **وابستگی صنایع به واردات:** بسیاری از صنایع آمریکا، به‌ویژه در حوزه فناوری و کشاورزی، به واردات مواد اولیه وابسته هستند. افزایش تعرفه‌ها می‌تواند هزینه‌های آن‌ها را افزایش دهد.
۴. **اثرات بر GDP:** اعمال تعرفه‌های جدید می‌تواند منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی آمریکا شود، اگرچه در برخی حوزه‌ها ممکن است منجر به رشد کوتاه‌مدت شود.
۵. **افزایش هزینه‌های مصرف‌کنندگان:** تعرفه‌ها هزینه واردات را افزایش می‌دهند که این امر مستقیماً بر قیمت کالاها تأثیر گذاشته و هزینه‌های مصرف‌کنندگان را افزایش می‌دهد.
۶. **پیامدهای بین‌المللی:** نقض تعهدات در سازمان تجارت جهانی (WTO) و احتمال بروز جنگ‌های تجاری با شرکای کلیدی مانند اتحادیه اروپا و چین
۷. **چالش‌های کشاورزی:** تعرفه‌های جدید ممکن است بازارهای صادراتی کشاورزی آمریکا را به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد و به رقابت شدید با واردات ارزان‌تر دامن بزند.
۸. **تأثیر بر تجارت دوجانبه:** اجرای سیاست‌های تهاجمی تعرفه‌ای می‌تواند به تضعیف روابط تجاری با کشورهای متحد منجر شود.
۹. **نیاز به حمایت سیاسی:** بسیاری از سیاست‌های پیشنهادی ترامپ به حمایت کنگره نیاز دارد که احتمالاً با چالش‌های قانونی و لابی‌گری مواجه خواهد شد.
۱۰. **افزایش استفاده از تعرفه‌های امنیت ملی:** ترامپ ممکن است از اختیارات قانونی برای اعمال تعرفه‌های امنیت ملی استفاده کند تا اجرای سیاست‌های خود را تسریع کند.
۱۱. **اثرات تعرفه‌ها بر چین:** تعرفه‌های سنگین بر چین احتمالاً اقتصاد این کشور را در کوتاه‌مدت تحت تأثیر قرار داده و صادرات آن را کاهش می‌دهد.
۱۲. **پیامدهای زنجیره تأمین:** تغییرات تعرفه‌ای می‌تواند زنجیره‌های تأمین جهانی را مختل کرده و منجر به افزایش هزینه تولید شود.
۱۳. **تمرکز بر صنایع استراتژیک:** سیاست‌ها به‌ویژه بر صنایع فلزی و فناوری تمرکز دارند تا این بخش‌ها را تقویت کنند.
۱۴. **اثرات سیاسی داخلی:** افزایش حمایت‌ها از تولید داخلی ممکن است به جلب حمایت

- رای‌دهندگان مناطق صنعتی منجر شود، اما ممکن است با اعتراضات از سوی سایر بخش‌ها مواجه شود.
۱۴. **تضعیف دلار:** ترامپ ممکن است برای کاهش ارزش دلار تلاش کند، اقداماتی می‌تواند بر رقابت‌پذیری صادرات تأثیر بگذارد، اما این سیاست‌ها با چالش‌های فنی مواجه هستند.
۱۵. **تقویت توافق‌نامه‌های تجاری دوجانبه:** ترامپ به دنبال مذاکره مجدد با کشورهایی است که تعرفه‌های بالایی دارند و به کاهش موانع تجاری علاقه‌مند هستند.
۱۶. **رشد بیکاری در برخی بخش‌ها:** افزایش هزینه‌های تولید ممکن است منجر به تعطیلی کارخانه‌ها و کاهش فرصت‌های شغلی در برخی بخش‌ها شود.
۱۷. **استفاده از قوانین اضطراری:** ترامپ احتمالاً از قوانین اضطراری برای اعمال سیاست‌های تجاری بدون نیاز به تأیید کنگره استفاده خواهد کرد.
۱۸. **چالش در تصویب قوانین تجاری جدید:** تغییر قوانین نیازمند مذاکرات پیچیده با کنگره و حمایت سیاسی گسترده است.
۱۹. **رشد نااطمینانی اقتصادی:** اجرای سیاست‌های ترامپ ممکن است فضای اقتصادی را نامطمئن کند و بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری تأثیر منفی بگذارد.
۲۰. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه سیاست‌های ترامپ می‌تواند برخی صنایع داخلی را تقویت کند، اما پیامدهای گسترده‌ای بر تجارت جهانی، هزینه‌های داخلی و روابط بین‌المللی خواهد داشت.

مقدمه

با نزدیک شدن به تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵، جهان آماده می‌شود تا دونالد ترامپ برای دومین دوره ریاست جمهوری خود وارد کاخ سفید شود. این بازگشت، تنها ادامه سیاست‌های تجاری پیشین او نخواهد بود، بلکه فرصتی برای تجدید نظر و تقویت رویکرد تهاجمی او به تجارت جهانی است؛ رویکردی که به دنبال بازتعریف شرایط تجارت بین‌المللی، به چالش کشیدن هنجارهای دیرینه و تقویت نفوذ اقتصادی آمریکا است. اکنون که او بار دیگر به قدرت می‌رسد، انتظاراتها میان امید به شکوفایی اقتصادی و نگرانی از اختلالات جدید در نظام جهانی دوگانگی می‌یابد.

ترامپ در زمانی وارد صحنه می‌شود که جهان به دلیل تحولات چند سال گذشته، به ویژه پیامدهای همه‌گیری کووید-۱۹، دستخوش تغییرات زیادی شده است. این همه‌گیری زنجیره‌های تأمین جهانی را دگرگون کرد، رقابت‌های ژئوپلیتیکی را تشدید نمود و نهادهای چندجانبه را با چالش‌های پیچیده‌تری روبرو ساخت. از تنش‌های فزاینده میان ایالات متحده و چین گرفته تا نوسانات بازار انرژی و رشد ملی‌گرایی اقتصادی در سطح جهانی، همگی زمینه را برای دگرگونی در سیاست‌های تجاری آمریکا فراهم کرده‌اند.

در قلب برنامه‌های جدید ترامپ، تأکید دوباره بر شعار «اول آمریکا» قرار دارد؛ شعاری که زمانی صنایع داخلی را به تحرک درآورد و هم‌پیمانان بین‌المللی را دچار تردید کرد. او قصد دارد با احیای تولید داخلی، کاهش کسری‌های تجاری و کاهش وابستگی به دشمنان خارجی، جایگاه اقتصادی ایالات متحده را تقویت کند. این رویکرد با مذاکرات تجاری سختگیرانه، استفاده از تعرفه‌ها به عنوان اهرم فشار و بازنگری در اتحادیه‌های بین‌المللی که بنیان اقتصاد جهانی را شکل داده‌اند، همراه خواهد بود.

اما دستیابی به این اهداف با چالش‌ها و تناقضات بسیاری روبرو است. آیا این سیاست‌های تجاری می‌توانند وعده رفاه اقتصادی داخلی را محقق کنند یا منجر به تعمیق شکاف‌ها و بی‌ثباتی در نظام اقتصاد جهانی خواهند شد؟ آیا ایالات متحده خواهد توانست به توافقات تجاری عادلانه‌ای دست یابد، در حالی که لفاظی‌های سختگیرانه خود را حفظ می‌کند؟ در این گزارش به بررسی جزئیات سیاست‌های تجاری ترامپ در دوره دوم ریاست جمهوری او خواهیم پرداخت. با تحلیل انگیزه‌ها، ابزارها و پیامدهای این سیاست‌ها، هدف ما ارائه نگاهی روشمند به تأثیر احتمالی آن‌ها بر اقتصاد جهانی و نقش ایالات متحده است.

۱. سیاست تجاری ترامپ

سیاست تجاری ایالات متحده، به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان، نقشی مهم در شکل‌دهی به اقتصاد داخلی و نظام اقتصادی بین‌المللی ایفا می‌کند. تصمیمات و رویکردهای تجاری این کشور نه‌تنها بر رشد

اقتصادی و اشتغال داخلی تأثیرگذار است، بلکه پیامدهای گسترده‌ای بر زنجیره‌های تأمین جهانی، ترازهای تجاری و روابط اقتصادی بین‌المللی دارد. در سطح داخلی، سیاست‌های تجاری آمریکا می‌تواند از طریق تعیین تعرفه‌ها و مذاکره در توافق‌نامه‌های تجاری، صنایع داخلی را در برابر رقابت خارجی محافظت کند یا رقابت‌پذیری آن‌ها را در بازارهای جهانی تقویت نماید. به‌عنوان مثال، اعمال تعرفه بر واردات فولاد و آلومینیوم با هدف حفاظت از مشاغل و صنایع تولیدی آمریکا صورت گرفته است. در عرصه بین‌المللی، سیاست‌های تجاری آمریکا بر زنجیره‌های تأمین جهانی، ترازهای تجاری و روابط اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

سیاست‌هایی مانند اعمال تعرفه بر کالاهای چینی، منجر به تنش‌های تجاری شده، بازارهای جهانی را تحت تأثیر قرار داده و تغییراتی در زنجیره‌های تأمین ایجاد کرده است. علاوه بر این، آمریکا در توافق‌نامه‌های تجاری متعددی شرکت دارد که به همگرایی اقتصادی و همکاری کمک می‌کنند. توافق‌نامه‌هایی مانند «توافق‌نامه ایالات متحده-مکزیک-کانادا» (USMCA) روابط تجاری و پیوندهای اقتصادی بین اعضا را تقویت کرده و بر الگوهای تجاری منطقه‌ای و جهانی تأثیر می‌گذارند. فراتر از مسائل اقتصادی، سیاست تجاری آمریکا به‌عنوان ابزاری برای استراتژی ژئوپلیتیکی این کشور عمل می‌کند. با استفاده از توافق‌نامه‌های تجاری و تحریم‌ها، آمریکا می‌تواند بر روابط بین‌المللی تأثیر گذاشته و منافع امنیت ملی خود را پیش ببرد.

به‌عنوان مثال، سیاست‌های تجاری که کشورهای خاص یا صنایع معین را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند به نگرانی‌های داخلی درباره شیوه‌های ناعادلانه تجاری یا حقوق مالکیت فکری پاسخ دهند. در سال‌های اخیر، سیاست تجاری آمریکا با چالش‌های کلیدی از جمله مباحث مربوط به حمایت‌گرایی در مقابل تجارت آزاد، تأثیر تجارت بر اشتغال داخلی و توازن میان اهداف اقتصادی و استراتژیک مواجه بوده است.

منتقدان معتقدند که برخی سیاست‌ها ممکن است به جنگ‌های تجاری منجر شود، زنجیره‌های تأمین جهانی را مختل کند یا به روابط بین‌المللی آسیب برساند. مناظرات جاری پیرامون سیاست تجاری ایالات متحده، پیچیدگی تدوین سیاست‌های تجاری که منافع داخلی را با مسئولیت‌های جهانی متعادل می‌سازد، منعکس می‌کند. در مجموع، سیاست تجاری آمریکا از اهمیت بالایی در سطوح داخلی و جهانی برخوردار است و بر عملکرد اقتصادی، روابط تجاری بین‌المللی و پویایی‌های ژئوپلیتیکی تأثیر می‌گذارد. در ادامه ابعاد مختلف سیاست‌های تجاری ترامپ و آثار احتمالی آنها را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

۱.۱. اعمال تعرفه‌های جهانی

وعده انتخاباتی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده، برای اعمال تعرفه‌های جهانی بین ۱۰٪ تا

۲۰٪ بر تمامی واردات، با امکان افزایش تا ۶۰٪ بر کالاهای برخی کشورها مانند چین، نشان‌دهنده گستری اساسی از سیاست‌های سنتی تجارت آزاد به سمت رویکردی حمایت‌گرایانه است. این استراتژی با هدف حفاظت از صنایع داخلی و کاهش وابستگی به محصولات خارجی طراحی شده است.

تعرفه جهانی به معنای مالیات ثابتی است که بر تمامی کالاهای وارداتی، بدون توجه به مبدأ آن‌ها، اعمال می‌شود. در این چارچوب، تعرفه ۱۰٪ تا ۲۰٪ به این معناست که تمامی محصولات وارداتی به ایالات متحده مشمول این هزینه اضافی خواهند شد. برای کشورهایی مانند چین، این تعرفه می‌تواند تا ۶۰٪ افزایش یابد که به‌طور قابل‌توجهی هزینه کالاهای صادراتی شرکت‌های چینی را در بازار آمریکا بالا می‌برد.^۱ اهداف اصلی این سیاست شامل حفاظت از صنایع داخلی از طریق افزایش هزینه کالاهای وارداتی، تشویق مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها به خرید محصولات تولید داخل، کاهش کسری تجاری با کاهش حجم واردات و محدود کردن وابستگی به کالاهای خارجی، به‌ویژه از کشورهایی که به‌عنوان رقبای یا تهدیدات استراتژیک تلقی می‌شوند، عنوان شده است. هنوز چند و چون اجرای سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ کاملاً روشن نیست. با وجود این مطالعات روشمند متعددی در این باره انجام شده است. بر مبنای مطالعاتی که تا کنون صورت گرفته است پیامدهای اعمال چنین تعرفه‌هایی چندوجهی خواهد بود.

مطالعات نشان می‌دهد واردکنندگان معمولاً هزینه‌های اضافی ناشی از تعرفه‌ها را به مصرف‌کنندگان منتقل می‌کنند که به نوبه خود منجر به افزایش قیمت کالاها و فشارهای تورمی در اقتصاد می‌شود. بسیاری از صنایع به زنجیره‌های تأمین جهانی برای تأمین قطعات و مواد اولیه متکی هستند؛ تعرفه‌های جهانی می‌تواند این زنجیره‌ها را مختل کرده و هزینه‌های تولید را افزایش داده و ممکن است باعث تأخیر در تولید شود. کشورهای هدف ممکن است با اعمال تعرفه‌های متقابل بر صادرات آمریکا پاسخ دهند اقدامی که به کسب‌وکارهای آمریکایی که به بازارهای بین‌المللی وابسته هستند، آسیب می‌زند. علاوه بر این، اعمال تعرفه‌های گسترده ممکن است با قوانین سازمان تجارت جهانی (WTO) در تضاد باشد، امری که می‌تواند منجر به چالش‌های قانونی و اختلافات در مجامع تجاری بین‌المللی شود.^۲ تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهد که چنین تعرفه‌هایی می‌تواند تأثیرات متنوعی بر اقتصاد داشته باشد. درحالی‌که برخی صنایع داخلی ممکن است از کاهش رقابت خارجی بهره‌مند شوند،^۳ تأثیر کلی می‌تواند شامل کاهش تولید ناخالص داخلی (GDP) به دلیل افزایش هزینه‌های تولید و کاهش حجم تجارت باشد.

به‌عنوان مثال، ارنی تدسچی در مقاله‌ای به بررسی پیامدهای اقتصادی پیشنهاد رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده برای افزایش تعرفه‌ها بر کالاهای وارداتی پرداخته است. این تحلیل از مدل‌سازی اقتصادی

1- <https://time.com/7095898/donald-trump-economy-plan-2024/>

2- <https://news.umich.edu/global-ripple-effects-expert-insights-on-trumps-tariff-plans/>

3- <https://www.washingtonpost.com/business/2024/10/26/how-trump-tariffs-work-explained-cost/>

برای ارزیابی نتایج احتمالی این سیاست استفاده کرده و بر ایجاد درآمد و تأثیرات گسترده‌تر آن تمرکز دارد. یکی از مباحث اصلی تدسچی به تعادل میان ایجاد درآمد و هزینه‌های اقتصادی می‌پردازد. هرچند تعرفه‌های بالاتر می‌توانند درآمد اضافی برای دولت ایجاد کنند، پیامدهای گسترده‌تر اقتصادی ممکن است این منافع را تضعیف کنند. به گفته تدسچی، تعرفه‌ها ممکن است تولید ناخالص داخلی (GDP) ایالات متحده را تا ۳۲۵ میلیارد دلار کاهش دهند که نشان‌دهنده خطر رکود اقتصادی ناشی از این سیاست است. تدسچی همچنین بر باری که افزایش تعرفه‌ها بر مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها می‌گذارد، تأکید می‌کند. افزایش قیمت کالاهای وارداتی می‌تواند هزینه‌های کسب‌وکارها را بالا ببرد و قیمت‌ها را برای مصرف‌کنندگان افزایش دهد، که در نهایت به کاهش تقاضا و کندی رشد اقتصادی منجر می‌شود و سطح زندگی بسیاری از آمریکایی‌ها را کاهش می‌دهد.

در مجموع، اگرچه این تعرفه‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت درآمد دولت را افزایش دهند، تدسچی نشان می‌دهد که زیان‌های اقتصادی ناشی از کاهش تولید ناخالص داخلی و افزایش هزینه‌ها این منافع را خنثی می‌کنند. او بر پیچیدگی استفاده از تعرفه‌ها به‌عنوان ابزار سیاستی تأکید کرده و هشدار می‌دهد که هزینه واقعی این سیاست‌ها ممکن است بیشتر از آنچه پیش‌بینی شده باشد.^۱

تأثیرات بر اشتغال نیز متفاوت است؛ درحالی‌که مشاغل در صنایع محافظت‌شده ممکن است حفظ یا ایجاد شوند، سایر بخش‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که به صادرات یا واردات مواد اولیه وابسته هستند، ممکن است با کاهش اشتغال مواجه شوند. علاوه‌بر این، کسب‌وکارها ممکن است به دلیل عدم پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌های تجاری و احتمال بروز منازعات تجاری مداوم، سرمایه‌گذاری‌های خود را به تأخیر انداخته یا کاهش دهند. بر مبنای پژوهش‌هایی که تا کنون انجام شده، آثار اجرایی شدن این سیاست را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۲.۱. تأثیر بر تولید ناخالص داخلی (GDP)

اعمال تعرفه‌های جهانی ۱۰ درصدی احتمالاً تا سال ۲۰۲۶ منجر به کاهش ۰.۳۶ درصدی تولید ناخالص داخلی واقعی ایالات متحده خواهد شد. این کاهش به دلیل افت تقاضا برای واردات و افزایش هزینه‌های تولید ناشی از گران‌تر شدن کالاهای خارجی است. در بلندمدت، تولید ناخالص داخلی ایالات متحده به‌طور نسبی با انتقال تولید از تأمین‌کنندگان خارجی به داخلی تثبیت خواهد شد، اما در نهایت تا سال ۲۰۳۰ حدود ۰.۱٪ کمتر از سطح پایه خواهد بود.^۲ حتی اگر فدرال رزرو در تلاش باشد با حفظ استقلال خود به تحریک اقتصاد بپردازد، پیش‌بینی می‌شود که تولید ناخالص داخلی ایالات متحده تا سال ۲۰۲۸ بین ۲.۸

1- <https://www.twincities.com/2024/10/22/ernie-teseschi-the-cost-of-trumps-tariff-scheme/>

2- <https://www.capitaleconomics.com/publications/us-economics-focus/trumps-new-tariffs-would-accelerate-global-fracturing>

تا ۹.۷ درصد کمتر از سطح پایه باشد. این بدین معناست که اگر رشد اقتصادی ایالات متحده از سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۸ به طور معمولی ۱.۹٪ باشد، در سناریوی «حداکثری» تا سال ۲۰۲۸ اقتصاد آمریکا نسبت به سال ۲۰۲۴ کوچک‌تر خواهد بود.

حتی اگر فدرال رزرو سعی کند در مراحل اولیه با حفظ استقلال خود اقتصاد را تحریک کند، پیش‌بینی می‌شود که تولید ناخالص داخلی ایالات متحده تا سال ۲۰۲۸ بین ۲.۸ تا ۹.۷٪ کمتر از سطح پایه باشد. این بدان معناست که اگر رشد اقتصادی ایالات متحده از سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۸ به طور معمولی ۱.۹٪ باشد، در سناریوی «حداکثری»، تا سال ۲۰۲۸ اقتصاد آمریکا کوچک‌تر از سال ۲۰۲۴ خواهد بود.

۱،۲،۱ تأثیرات بر اشتغال

نرخ اشتغال پس از یک افزایش موقت در سال ۲۰۲۵، تا سال ۲۰۲۸ بین ۲.۷ تا ۹ درصد کمتر از سطح پایه خواهد بود. این کاهش تا سال ۲۰۴۰ همچنان در حدود ۰.۴ تا ۳.۴ درصد باقی خواهد ماند. کاهش اشتغال عمدتاً ناشی از اخراج کارگران مهاجر غیرقانونی است که به فشار بر بازار کار آمریکایی‌ها منجر می‌شود. همچنین پیش‌بینی می‌شود اشتغال در ایالات متحده به دلیل کاهش فعالیت‌های اقتصادی و انقباض در بخش‌هایی مانند تولید و کشاورزی، ۰.۶ درصد کاهش یابد. در بلندمدت، با افزایش تولید داخلی و ایجاد شغل‌های جایگزین برای کارگران، ممکن است سطح اشتغال به وضعیت پایه بازگردد، اما این بازگشت احتمالاً مستلزم کاهش دائمی در دستمزدهای واقعی خواهد بود.^۱

۲،۲،۱ تأثیرات بر تورم

در سناریوی «حداکثری»، تورم تا سال ۲۰۲۶ به اوج ۴.۱ تا ۷.۴٪ بالاتر از سطح پایه خواهد رسید و در درازمدت ۲٪ بالاتر از سطح پایه باقی خواهد ماند. این افزایش به دلیل کاهش استقلال فدرال رزرو و ناکامی در واکنش سریع به تغییرات اقتصادی است.

۳،۲،۱ تأثیرات بر تراز تجاری

در ابتدا، تراز تجاری ایالات متحده به سمت مازاد حرکت خواهد کرد، اما با کاهش ارزش دلار و خروج سرمایه، این روند به سرعت به تغییرات منفی تبدیل خواهد شد.

۳،۱ شرایط مشابه بحران کووید ۱۹

تحلیل مؤسسه پیترسون نشان می‌دهد که سیاست‌های پیشنهادی ترامپ می‌توانند تأثیرات منفی گسترده‌ای بر اقتصاد ایالات متحده داشته باشند، شامل کاهش تولید ناخالص داخلی، کاهش اشتغال، افزایش تورم

1- <https://investigatamidwest.org/2024/11/06/four-ways-trump-could-impact-the-agriculture-sector-during-second-term/>

و تغییرات منفی در تراز تجاری. در سناریوی افراطی «حداکثری»، اقتصاد ایالات متحده به شرایط مشابه بحران کووید-۱۹ می‌رسد، اما با سرعت کمتری بهبود خواهد یافت. بخش‌های تولیدات پایدار، معادن و کشاورزی بیشترین آسیب را خواهند دید و پیش‌بینی می‌شود که قیمت‌ها در این بخش‌ها تا سال ۲۰۲۸ بین ۲۰ تا ۲۸٪ بالاتر از سطح پایه افزایش یابد.^۱

۴.۱. فشارهای تورمی

تعرفه‌ها، مستقیماً هزینه کالاهای مصرفی و واسطه‌های وارداتی را افزایش می‌دهند و به افزایش ۰.۶ درصدی تورم نسبت به پایه تا سال ۲۰۲۵ منجر می‌شوند. شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) تا سال ۲۰۲۸ همچنان ۰.۸٪ بالاتر از پایه خواهد بود. اگرچه فدرال رزرو تلاش خواهد کرد تا فشارهای تورمی را با تنظیم نرخ بهره کاهش دهد، افزایش قیمت‌های اولیه نشان‌دهنده هزینه‌های بالاتر تولید و مصرف است که به دلیل محدودیت‌های وارداتی ایجاد می‌شود.^۲

۵.۱. تراز تجاری و تقویت ارز

افزایش هزینه‌های واردات منجر به کاهش حجم واردات می‌شود که تا حدی اثرات تعرفه‌ها را کاهش می‌دهد. تقویت دلار آمریکا - پیش‌بینی شده به میزان ۵.۴٪- می‌تواند بخشی از تأثیرات تورمی را با کاهش نسبی هزینه واردات جبران کند. اما تقویت ارزش دلار باعث می‌شود که صادرات ایالات متحده کمتر رقابتی شود و حجم صادرات کاهش یابد، که در نهایت تراز تجاری را بدتر خواهد کرد.^۳

۶.۱. اخراج مهاجران

سیاست‌های مهاجرتی ترامپ که شامل اخراج مهاجرین غیرقانونی، اعمال محدودیت‌های بیشتر بر مهاجرین قانونی و غیرقانونی و تغییر در سیاست‌های پناهندگی و تابعیت است، تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد ایالات متحده خواهد داشت. این سیاست‌ها می‌توانند در صورتی که در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ اجرایی شوند، آثار منفی جدی در بازار کار، تولید ناخالص داخلی و بخش‌های مختلف اقتصادی داشته باشند. محدودیت‌های شدید بر مهاجرین، چه قانونی و چه غیرقانونی، یکی از وعده‌های کلیدی ترامپ محسوب می‌شود که در صورت اجرای آنها در دولت دوم احتمالی وی، تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد ایالات متحده خواهد داشت. این سیاست‌ها شامل اخراج گسترده، محدودیت‌های مهاجرتی، بازرسی تهاجمی محل‌های کار، لغو پناهندگی‌های بشردوستانه و پایان اعطای تابعیت بر اساس تولد برای فرزندان مهاجران غیرقانونی است. هدف اصلی، کاهش تعداد مهاجران غیرقانونی و در نتیجه، تأثیر بر بازار کار و اقتصاد است.

1- <https://www.piie.com/sites/default/files/2024-09/wp24-20.pdf>

2- <https://www.oxfordeconomics.com/resource/trumponomics-the-economics-of-a-second-trump-presidency/>

3- <https://worldview.stratfor.com/article/what-second-trump-term-could-mean-global-trade-trumps-trade-priorities>

در حال حاضر، حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون مهاجر غیرقانونی در ایالات متحده زندگی می‌کنند که از این تعداد، ۸.۳ میلیون نفر در نیروی کار حضور دارند.^۱ موسسه پیترسون در این زمینه دو سناریوی کلیدی را بررسی کرده است: اخراج ۱.۳ میلیون و ۸.۳ میلیون نیروی کار غیرقانونی.

در سناریوی اول، اخراج ۱.۳ میلیون نفر، عرضه نیروی کار را تا سال ۲۰۲۸ به میزان ۰.۸٪ کاهش می‌دهد که منجر به افت ۰.۲ درصدی تولید ناخالص داخلی (GDP) و کاهش ۱.۲ درصدی آن تا سال ۲۰۲۸ خواهد شد. در سناریوی دوم، اخراج ۸.۳ میلیون نیروی کار باعث کاهش ۵.۱ درصدی عرضه نیروی کار و کاهش ۷.۴ درصدی GDP تا سال ۲۰۲۸ می‌شود.

۲. تأثیرات بخشی

۱.۲. تولید پایدار و کشاورزی

این بخش‌ها، که هدف اصلی حمایت تعرفه‌ها بوده‌اند، دچار کاهش چشمگیری خواهند شد. تولیدات پایدار با کاهش ۲.۷ درصدی نسبت به پایه روبرو می‌شود، به دلیل مواجهه با بازارهای بین‌المللی، هزینه‌های بالای واسطه‌ها و کاهش تقاضای خارجی. تولیدات کشاورزی نیز به دلیل تقویت دلار و کاهش رقابت‌پذیری صادرات، ۲.۴٪ کاهش می‌یابد.^۲

۲.۲. تغییرات در اشتغال

تقاضا برای نیروی کار در بخش‌های تولیدی، کشاورزی و معادن کاهش می‌یابد که منعکس‌کننده کاهش تولیدات این بخش‌ها است. در طول زمان، کارگران ممکن است به بخش خدمات منتقل شوند، اما این انتقال به دلیل مشکلات جغرافیایی و مهارت‌ها می‌تواند با موانع مواجه شود. افزون بر این قیمت‌ها در تمامی بخش‌ها افزایش خواهند یافت. این تغییرات ناشی از واکنش‌های متفاوت تقاضا و عرضه در هر بخش است.

۳.۲. سرمایه‌گذاری و صادرات

کاهش عرضه نیروی کار و افزایش تورم به کاهش بهره‌وری و کاهش سرمایه‌گذاری منجر خواهد شد. سرمایه‌ها به دلیل جستجو برای بازدهی بالاتر، از ایالات متحده خارج می‌شوند امری که موجب کاهش ارزش دلار و افزایش هزینه‌های واردات خواهد شد. این تغییرات ممکن است به‌طور موقت کسری تجاری را کاهش دهد، اما نمی‌تواند آسیب‌های کلان اقتصادی را جبران کند.

1- <https://edition.cnn.com/2024/05/01/politics/trump-immigration-what-matters/index.html>

2- <https://www.forbes.com/sites/jackkelly/2024/11/08/trump-tariffs-impact-on-american-jobs/>

۳. تأثیرات جهانی تعرفه‌ها بر اقتصاد دیگر کشورها

۱,۳. تأثیر بر شرکای تجاری

کشورهای وابسته به بازار ایالات متحده مانند کانادا، مکزیک و چین، با کاهش تولید ناخالص داخلی مواجه خواهند شد. برآوردها نشان می‌دهد که چین ممکن است در سال ۲۰۲۵ کاهش ۰,۲۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی خود تجربه کند که نتیجه سیاست‌های تعرفه‌ای و سخت‌گیری‌های پولی است.^۱

۲,۳. تعرفه‌های متقابل و اثرات منفی

اگر کشورهای شرکای تجاری ایالات متحده نیز تعرفه‌هایی مشابه بر کالاهای آمریکایی اعمال کنند، این اقدام اثرات منفی را تشدید خواهد کرد. طبق پیش‌بینی‌ها، تولید ناخالص داخلی ایالات متحده ممکن است تا سال ۲۰۲۶ کاهش ۰,۹ درصدی را تجربه کند و تورم تا ۱,۳٪ بالاتر از سطح پایه در سال ۲۰۲۵ برود.^۲

در مجموع، وعده‌های تعرفه‌ای، تغییر عمده‌ای به سمت حمایت‌گرایی جهانی را نشان می‌دهند. هدف از این سیاست‌ها تقویت صنایع داخلی و کاهش وابستگی به منابع خارجی است. با این حال، این سیاست‌ها می‌توانند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای داشته باشند از جمله افزایش قیمت‌ها، اختلال در زنجیره‌های تأمین و تشدید تنش‌های تجاری جهانی، که نیاز به ارزیابی دقیق دارد.^۳

۳,۳. تأثیر تعرفه‌های ۶۰ درصدی بر صادرات چین به آمریکا

افزایش ۶۰ درصدی تعرفه‌های ایالات متحده بر کالاهای وارداتی از چین یکی از وعده‌های کلیدی ترامپ بود. این سیاست مشابه سناریوی تعرفه‌های جهانی است، اما تعرفه‌ها برای چین به‌طور قابل توجهی بیشتر است و تأثیر هدمندتر و شدیدتری بر اقتصاد این کشور دارد. در این حالت، تقاضا در کوتاه‌مدت و تولید در میان‌مدت از چین به سمت سایر کشورهای که تحت تغییر تعرفه نیستند، حرکت می‌کند. این روند از زمان جنگ تجاری اول میان ترامپ و چین به‌طور تدریجی آغاز شده است.

برآوردها نشان می‌دهند که اجرای این سیاست می‌تواند تولید ناخالص داخلی (GDP) چین را تا سال ۲۰۲۶ به میزان ۰,۹ درصد کاهش دهد. کاهش تقاضای آمریکا برای کالاهای چینی باعث افت ارزش واقعی یوان (تا ۱۰٪) می‌شود که در ابتدا مزیت رقابتی کالاهای چینی در بازارهای دیگر را افزایش می‌دهد و تا حدی کاهش صادرات به آمریکا را جبران می‌کند.

1- <https://www.euronews.com/business/2024/02/20/china-cuts-key-interest-rate-to-revive-property-sector>

2- <https://www.piie.com/sites/default/files/2024-09/wp24-20.pdf>

3- <https://www.linkedin.com/pulse/trump-tariffs-season-2-10-60-same-richard-baldwin-gsk0e/?trackingId=v2NMIiuvTGCAi6x34vSw%2Fw%3D%3D>

این تعرفه‌ها موجب جابه‌جایی تولید از چین به کشورهای دیگر می‌شود تا صادرات به بازار آمریکا از کشورهای که تحت تعرفه‌ها نیستند، انجام شود. در نتیجه، اشتغال در چین ابتدا کاهش می‌یابد، اما کاهش دستمزدهای واقعی به تدریج آن را به سطح پایه بازمی‌گرداند. در آمریکا، اشتغال تا سال ۲۰۲۷ به میزان ۰.۲۳٪ پایین‌تر از سطح پایه خواهد بود. تورم نیز تا سال ۲۰۲۵ حدود ۰.۴٪ افزایش می‌یابد، زیرا هزینه‌های بالاتر واردات از چین به‌طور کامل با کاهش قیمت واردات از سایر کشورها جبران نمی‌شود. کاهش رشد اقتصادی چین باعث خروج سرمایه از این کشور و ورود آن به اقتصادهای دیگر می‌شود. این جریان سرمایه‌گذاری ابتدا به‌صورت مالی و سپس به‌صورت سرمایه‌گذاری فیزیکی انجام می‌شود و به تقویت ظرفیت تولید در کشورهای مانند کانادا و مکزیک می‌انجامد. با کاهش کسری تجاری آمریکا با چین، کسری تجاری کلی ایالات متحده به دلیل تقویت دلار افزایش می‌یابد.

برخی برآوردها نشان می‌دهد که اقتصاد چین اکنون نسبت به احتمال اعمال تعرفه‌های ۶۰ درصدی، آسیب‌پذیرتر از دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ است. یکی از عوامل این آسیب‌پذیری، بحران بازار املاک و مستغلات چین است. در سال ۲۰۱۸، این بازار حدود ۲۵٪ از فعالیت اقتصادی چین را تشکیل می‌داد و به‌عنوان سپری در برابر شوک‌های خارجی عمل می‌کرد، اما از سال ۲۰۲۱ دچار رکود شدیدی شده است. که باعث کاهش درآمدهای دولت‌های محلی گردیده است. عامل دیگر تجمع بدهی‌های سنگین است. رکود در بازار املاک منجر به افزایش بدهی‌های غیرقابل تحمل برای دولت‌های محلی شده است. صندوق بین‌المللی پول برآورد می‌کند که مجموع بدهی‌های دولتی تا پایان سال ۲۰۲۳ به ۱۴۷ تریلیون یوان (۲۰.۷ تریلیون دلار) رسیده است. با احتساب بدهی‌های خانوارها و شرکت‌ها، این مقدار به بیش از ۳۵۰ تریلیون یوان می‌رسد که تقریباً سه برابر اندازه اقتصاد چین است. این عوامل نشان می‌دهند که اقتصاد چین اکنون نسبت به شوک‌های خارجی آسیب‌پذیرتر شده است و ترکیب مشکلات در بخش املاک و بدهی‌های بالا، توانایی دولت چین را برای واکنش مؤثر به فشارهای اقتصادی محدود می‌کند.^۱

البته برخی اقتصاددانان برجسته چینی این برآوردها را به چالش کشیده‌اند. ژانگ مینگ، معاون مدیر موسسه مالی و بانکی آکادمی علوم اجتماعی چین، استدلال می‌کند که اگرچه افزایش تعرفه‌ها ممکن است در اوایل سال ۲۰۲۵ به کاهش رشد اقتصادی منجر شود، انتظار می‌رود که اقتصاد چین در اواخر سال بهبود یابد و به هدف رشد سالانه خود برسد. با وجود این، از منظر ژانگ، با توجه به اینکه صادرات حدود ۲۰٪ از تولید ناخالص داخلی چین را تشکیل می‌دهد و ایالات متحده یکی از شرکای تجاری اصلی آن است، تعرفه‌های پیشنهادی تأثیرات قابل توجهی بر بخش‌های وابسته به صادرات خواهد داشت.

برای کاهش تأثیرات منفی این تعرفه‌ها، ژانگ پیش‌بینی می‌کند که پکن تدابیر محرک اقتصادی

1- <https://www.reuters.com/world/china/why-chinas-economy-is-more-vulnerable-trump-tariffs-this-time-2024-11-06/>

را تسریع خواهد کرد. این اقدامات با هدف حمایت از رشد صادرات و حفظ ثبات اقتصادی انجام می‌شود. به اعتقاد او، با وجود تهدید تعرفه‌های جدید، چین قصد دارد هدف رشد تولید ناخالص داخلی ۵ درصدی خود را برای سال ۲۰۲۵ حفظ کند و از طریق سیاست‌های محرک اقتصادی، تأثیرات احتمالی بر تجارت را جبران کند.^۱

علاوه بر این، برخی رسانه‌های چینی انتظار دارند که صادرکنندگان قبل از اعمال تعرفه‌های پیشنهادی، صادرات خود به ایالات متحده را تسریع کنند. این اقدام پیشگیرانه به منظور کاهش اثرات فوری موانع تجاری جدید انجام می‌شود. همچنین تحلیلگران بر این باورند که پکن ممکن است از اقدامات تلافی‌جویانه فوری پرهیز کند تا از تشدید تنش‌های تجاری جلوگیری کرده و ثبات در روابط بین‌المللی را حفظ کند. در عوض، تمرکز چین احتمالاً بر مذاکرات دیپلماتیک و رفع عدم توازن‌های تجاری از طریق گفت‌وگو خواهد بود.

از دیگر سو برخی استدلال می‌کنند تولید ایالات متحده به‌طور کلی در سال ۲۰۲۵ با افزایش روبرو خواهد شد، اما این افزایش در بخش‌های مختلف به‌طور متفاوتی احساس خواهد شد. بخش‌هایی که به صادرات وابسته‌اند، به‌ویژه بخش‌های کشاورزی، معدنی و انرژی، آسیب خواهند دید. تقویت دلار موجب کاهش تقاضای جهانی برای کالاهای آمریکایی در این بخش‌ها می‌شود. در بخش‌های تولیدی که وابسته به واردات از چین هستند، هزینه‌های تولید افزایش خواهد یافت.

در زمینه اشتغال، کارکنانی که در بخش‌های آسیب‌دیده از تعرفه‌ها بیکار می‌شوند، در میان‌مدت در بخش‌های دیگر مشغول به کار خواهند شد، اما دستمزدهای واقعی آنها کاهش خواهد یافت. در صورت تلافی چین با اعمال تعرفه‌های مشابه بر واردات کالاهای و خدمات ایالات متحده، زیان تولید ناخالص داخلی ایالات متحده در سال ۲۰۲۶ بیش از دو برابر خواهد شد و تورم نیز افزایش خواهد یافت.^۲

این دو دیدگاه نشان‌دهنده پیچیدگی و تنوع اثرات تعرفه‌ها در سطح جهانی است که در آن تحلیل‌ها با توجه به شرایط اقتصادی و راهبردهای مختلف کشورهای متفاوت است. در حالی که چین ممکن است بتواند با استفاده از سیاست‌های محرک اقتصادی تأثیرات منفی را کاهش دهد، ایالات متحده با چالش‌هایی در بخش‌های صادراتی و تولیدی روبرو خواهد شد که نیازمند سیاست‌های تجاری و اقتصادی دقیق برای مدیریت این چالش‌ها است.

1- <https://www.scmp.com/economy/policy/article/3285676/china-stick-around-5-gdp-target-2025-despite-trump-tariff-threat-economist>

2- <https://www.piie.com/sites/default/files/2024-09/wp24-20.pdf>

۴. سناریوهای حداقلی و حداکثری مؤسسه پیترسون

۴.۱. سناریوی حداکثری

در این سناریو فرض بر این است که تعرفه‌های ۶۰ درصدی بر کالاهای وارداتی از چین اعمال شود و چین نیز به‌طور تلافی‌جویانه تعرفه‌های مشابهی بر کالاهای آمریکایی وضع کند. علاوه‌بر این، تعرفه‌های ۱۰ درصدی بر تمامی واردات از دیگر کشورهای شریک تجاری آمریکا اعمال خواهد شد و واکنش‌های تلافی‌جویانه از طرف این کشورها نیز صورت می‌گیرد. هم‌چنین در این سناریو، اخراج ۸.۳ میلیون کارگر مهاجر غیرمجاز و کاهش استقلال فدرال رزرو نیز گنجانده شده است.

۴.۲. سناریوی حداقلی

در این سناریو، تعرفه‌ها بر کالاهای وارداتی از چین و دیگر کشورهای شریک تجاری آمریکا اعمال می‌شود، اما شرکای تجاری واکنشی تلافی‌جویانه نشان نمی‌دهند. در این حالت، تنها ۱.۳ میلیون کارگر غیرمجاز اخراج خواهند شد و استقلال فدرال رزرو کاهش می‌یابد.

اجرای این سیاست‌ها می‌تواند شوک عظیمی به اقتصاد ایالات متحده وارد کند که شامل کاهش تولید ناخالص داخلی، افزایش تورم، اختلالات در بازار کار و مشکلات اقتصادی در بخش‌های مختلف خواهد بود. در سناریوی حداکثری، اثرات این سیاست‌ها حتی شدیدتر خواهد بود و می‌تواند منجر به رکود اقتصادی طولانی‌مدت در صورت اجرای این برنامه‌ها در دولت دوم ترامپ شود. برآوردهای مؤسسه پیترسون نشان می‌دهد که سیاست‌های پیشنهادی ترامپ، شامل اخراج گسترده مهاجران غیرقانونی و تغییرات دیگر در اقتصاد، تأثیرات جدی و منفی بر اقتصاد ایالات متحده خواهند داشت. این تأثیرات شامل کاهش تولید ناخالص داخلی، اشتغال و افزایش تورم می‌شود. تحلیل‌های این موسسه به شرح زیر است:

۵. طرح تعرفه متقابل

طرح «قانون تجارت متقابل ترامپ» به دنبال اعطای اختیار به رئیس‌جمهور است تا تعرفه‌هایی را بر کالاهای وارداتی اعمال کند که معادل تعرفه‌های اعمال‌شده توسط کشورهای دیگر بر صادرات آمریکا باشد. هدف اصلی این طرح از منظر ترامپ، ایجاد شرایط تجاری منصفانه‌تر است، به‌گونه‌ای که کالاهای آمریکایی در بازارهای خارجی با نرخ‌های تعرفه مشابهی مواجه شوند.

سازوکار اجرای طرح شامل چندین مرحله است. در ابتدا، نماینده تجاری ایالات متحده (USTR) تعرفه‌های اعمال‌شده توسط کشورهای مختلف بر محصولات آمریکایی را بررسی می‌کند. اگر کشوری تعرفه‌های بالاتری بر کالاهای آمریکایی نسبت به تعرفه‌های ایالات متحده اعمال کند، این عدم توازن شناسایی

می‌شود. سپس، رئیس‌جمهور اختیار خواهد داشت تا تعرفه‌های متقابل بر کالاهای آن کشور وضع کند تا این عدم توازن کاهش یابد. برای اجرای این طرح، تأیید کنگره برای اعطای این اختیار ضروری است و ممکن است از بخش‌هایی مانند بخش ۳۰۱ قانون تجارت ۱۹۷۴ استفاده شود که به USTR اجازه می‌دهد با رویه‌های ناعادلانه تجاری خارجی مقابله کند.

با وجود هدف این قانون در حمایت از صنایع آمریکایی، پیامدهای احتمالی آن شامل افزایش تنش‌های تجاری با سایر کشورها است که ممکن است به اقدامات تلافی‌جویانه منجر شود. علاوه بر این، تعرفه‌های متقابل می‌تواند هزینه‌های کالاهای وارداتی را افزایش داده و به تورم، افزایش قیمت‌ها و اختلال در زنجیره تأمین منجر شود. این اقدامات همچنین ممکن است با اصول سازمان تجارت جهانی (WTO) که از رویه‌های تجاری غیرتبعیض‌آمیز حمایت می‌کند، در تضاد باشد و به اختلافات تجاری در این سازمان منجر شود.^۱ در نهایت، اگرچه «قانون تجارت متقابل ترامپ» به دنبال تنظیم تعرفه‌ها و ایجاد شرایط تجاری منصفانه‌تر است، اما اجرای آن می‌تواند پیامدهای پیچیده‌ای بر اقتصاد داخلی و روابط تجاری بین‌المللی داشته باشد.

۶. تعرفه سنگین بر مکزیک

در جریان کارزار انتخاباتی، دونالد ترامپ برنامه‌ای را برای اعمال تعرفه‌ای ۲۵ درصدی بر تمامی واردات از مکزیک مطرح کرد. هدف این برنامه، اعمال فشار بر دولت مکزیک جهت کاهش مهاجرت غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر به ایالات متحده است. ترامپ همچنین تهدید کرد که در صورت ناکارآمدی این تعرفه اولیه، میزان آن به تدریج افزایش یافته و حتی می‌تواند به ۱۰۰٪ نیز برسد. استراتژی ترامپ بر این اساس قرار دارد که با بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی، دولت مکزیک وادار شود تا اقدامات مؤثرتری برای کنترل مرزهای خود و مبارزه با مهاجرت و قاچاق مواد مخدر انجام دهد. از دیدگاه او، اعمال تعرفه‌های سنگین می‌تواند به‌عنوان انگیزه‌ای برای مقامات مکزیکی در راستای بهبود امنیت مرزی و اجرای قوانین بیشتر عمل کند.

پیامدهای احتمالی این سیاست به‌طور گسترده‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است. از یک سو، مصرف‌کنندگان و صنایع آمریکایی که به واردات کالا از مکزیک وابسته هستند، مانند خودروسازی و کشاورزی، ممکن است با افزایش هزینه‌ها و به تبع آن، افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان مواجه شوند. از سوی دیگر، این اقدام می‌تواند روابط تجاری میان ایالات متحده و مکزیک را دچار تنش کرده و مکزیک نیز به تلافی، تعرفه‌هایی بر کالاهای آمریکایی اعمال کند که به زیان صادرکنندگان آمریکایی تمام شود.

1- <https://www.herbertsmithfreehills.com/notes/crt/2024-posts/What-would-the-Trump-Tariffs-mean-for-World-Trade>

مکزیک در سال‌های اخیر به‌عنوان مهم‌ترین شریک تجاری ایالات متحده ظهور کرده و از کانادا و چین پیشی گرفته است. در سال ۲۰۲۳، حجم کل تجارت کالایی بین ایالات متحده و مکزیک به حدود ۷۹۸.۹ میلیارد دلار رسید که از این میزان، صادرات ایالات متحده به مکزیک حدود ۳۲۴.۳ میلیارد دلار و واردات از مکزیک بالغ بر ۴۷۵.۶ میلیارد دلار بوده است. این رابطه تجاری قوی بر پایه توافق‌نامه ایالات متحده-مکزیک-کانادا (USMCA) بنا شده است^۱ که جریان کالا و خدمات در سراسر آمریکای شمالی را تسهیل می‌کند. بخش‌های کلیدی که در این تجارت نقش اساسی ایفا می‌کنند، شامل صنایع خودروسازی، ماشین‌آلات و محصولات کشاورزی هستند. به‌ویژه، مکزیک به یکی از منابع مهم واردات ایالات متحده تبدیل شده و سهم قابل توجهی از وسایل نقلیه و قطعات خودرو را تأمین می‌کند. در مجموع، نقش مکزیک به‌عنوان مهم‌ترین شریک تجاری ایالات متحده با حجم‌های تجاری قابل توجه و رو به رشد، تنوع گسترده کالاهای مبادله‌شده و جایگاه مهم آن در توافقات تجاری آمریکای شمالی مشخص می‌شود.^۲

برخی معتقدند بخش خودروسازی ایالات متحده، که به‌شدت به مکزیک برای تولید و قطعات خودرو وابسته است، یکی از سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد. اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات مکزیکی می‌تواند زنجیره‌های تأمین را مختل کرده، هزینه‌های تولید را افزایش دهد و منجر به بالا رفتن قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان شود. به‌عنوان مثال، برنامه تسلا برای ساخت یک کارخانه بزرگ به ارزش ۱۰ میلیارد دلار در نزدیکی مونتري، با توجه به این تعرفه‌های پیشنهادی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. اثرات این تعرفه‌ها محدود به صنعت خودرو نخواهد بود؛ سایر بخش‌هایی که ارتباطات عمیقی با مکزیک دارند نیز می‌توانند با چالش‌های قابل توجهی مواجه شوند.^۳

تعرفه‌های بالاتر می‌توانند منجر به افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان در ایالات متحده شوند. مرکز سیاست مالیاتی تخمین می‌زند که تعرفه ۲۰۰ درصدی بر واردات خودروهای مکزیکی می‌تواند مالیات خانوارها را به طور میانگین ۶۰۰ دلار افزایش دهد، عددی که بازتابی از هزینه‌های اضافی منتقل شده به مصرف‌کنندگان است. چنین شرایطی نه تنها به طور مستقیم بر مصرف‌کنندگان تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند فشارهای تورمی را افزایش دهد و قدرت خرید و اعتماد مصرف‌کنندگان را کاهش دهد.^۴

همانگونه که اشاره شد اقتصاد مکزیک به شدت به رابطه تجاری با ایالات متحده وابسته است و این امر آن را در برابر تغییرات سیاست‌های تجاری ایالات متحده آسیب‌پذیر می‌کند. کاهش صادرات و احتمال از دست رفتن مشاغل، به‌ویژه در بخش تولید، احتمالاً رشد تولید ناخالص داخلی را کاهش می‌دهد.

1- <https://ustr.gov/countries-regions/americas/mexico>

2- <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF11175>

3- <https://www.businessinsider.com/trump-tariffs-threaten-elon-musk-tesla-mexico-factory-limbo-2024>

4- <https://www.taxpolicycenter.org/taxvox/more-aggressive-trump-tariff-would-lower-household-incomes-nearly-3000>

صنعت خودرو، که بخش عمده‌ای از اقتصاد مکزیک را تشکیل می‌دهد، به طور ویژه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. روزنامه El País نگرانی‌هایی را مطرح کرده است که تعرفه‌های بیشتر می‌تواند چشم‌انداز اقتصادی مکزیک را بی‌ثبات کرده و به چالش‌های اقتصادی گسترده‌تری منجر شود.

با وجود این پیش‌بینی‌ها، بحث‌های پیرامون این تعرفه‌ها دیدگاه‌های متضادی را نشان می‌دهد. طرفداران این سیاست معتقدند که اعمال تعرفه بر واردات مکزیک می‌تواند شرکت‌ها را تشویق کند تا عملیات تولیدی خود را به ایالات متحده منتقل کنند و از این طریق اشتغال داخلی را افزایش داده و کسری‌های تجاری را کاهش دهند. از سوی دیگر، منتقدان بر این باورند که این تعرفه‌ها می‌توانند به اقدامات تلافی‌جویانه از سوی مکزیک منجر شده، زنجیره‌های تأمین موجود را مختل کرده و باعث افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان ایالات متحده شوند. آن‌ها همچنین هشدار می‌دهند که این اقدامات می‌توانند به یک جنگ تجاری گسترده‌تر منجر شوند که روابط اقتصادی را بیشتر تحت فشار قرار داده و بی‌ثباتی بلندمدت ایجاد کنند.

در نتیجه، تعرفه‌های پیشنهادی بر واردات مکزیک یک وضعیت پیچیده با پیامدهای قابل توجه برای هر دو اقتصاد ایالات متحده و مکزیک ایجاد می‌کند. در حالی که این اقدامات با هدف تقویت تولید داخلی ایالات متحده طراحی شده‌اند، خطر افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان، اختلال در تجارت و احتمالاً اقدامات تلافی‌جویانه اقتصادی را به همراه دارند. بحث‌های جاری بر لزوم بررسی دقیق پیامدهای اقتصادی گسترده‌تر و توازن دقیق در تدوین سیاست‌های تجاری تأکید می‌کنند.

نکته مهم دیگر آنکه از منظر اقتصاد مکزیک، کاهش درآمدهای حاصل از صادرات می‌تواند به ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی در این کشور منجر شود. این بی‌ثباتی ممکن است به‌طور معکوس فشارهای مهاجرتی را تشدید کند، چراکه بسیاری از مردم برای بهبود شرایط زندگی خود به مهاجرت روی خواهند آورد. منتقدان این طرح استدلال می‌کنند که تعرفه‌ها در واقع همچون نوعی مالیات ملی عمل می‌کنند که فشار بیشتری بر خانواده‌های با درآمد پایین و متوسط وارد می‌آورند. این امر ممکن است به افزایش قیمت کالاهای مصرفی در ایالات متحده منجر شود و در نهایت به ضرر شهروندان آمریکایی باشد. همچنین، نگرانی‌هایی وجود دارد که چنین سیاست‌هایی می‌تواند به یک جنگ تجاری تبدیل شود و اثرات منفی بیشتری بر اقتصاد جهانی داشته باشد.

لازم به یادآوری است که این پیشنهاد ترامپ یادآور تهدیدات پیشین او در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش است؛ زمانی که تلاش کرد از طریق تعرفه‌ها، مقامات مکزیک را به اقداماتی برای کنترل مهاجرت وادار کند. هرچند این اقدامات در کوتاه‌مدت به نتایجی همچون استقرار گارد ملی مکزیک برای کاهش مهاجرت

منجر شد، اما اثربخشی بلندمدت این رویکردها همچنان محل بحث و بررسی است. در نهایت، پیشنهاد ترامپ برای اعمال تعرفه‌های سنگین به‌عنوان ابزاری برای مقابله با مهاجرت غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر، پیامدهای متعددی برای دو کشور ایالات متحده و مکزیک در پی خواهد داشت.^۱

۷. خروج از توافقات تجاری موجود

در جریان کارزار انتخاباتی، دونالد ترامپ بر تعهد خود به ارزیابی مجدد و احتمالاً خروج از توافقات تجاری موجود که به‌زعم او به منافع ایالات متحده لطمه می‌زنند، تأکید کرده است. این رویکرد در راستای سیاست «اول آمریکا»^۲ او قرار دارد که هدف آن اولویت‌بخشی به صنایع داخلی و اصلاح عدم توازن‌های تجاری است. در این راستا احتمالاً او اقدامات ذیل را در دستور کار قرار خواهد داد:

۱,۷. بازنگری در توافقات موجود

ترامپ ابراز تمایل کرده که به بررسی مجدد توافقات عمده تجاری از جمله توافق‌نامه ایالات متحده-مکزیک-کانادا (توافق‌نامه USMCA) بپردازد. او معتقد است که این توافقات در شکل کنونی خود ممکن است به ضرر کارگران و صنایع آمریکایی باشد. با بازنگری در این توافقات، هدف او تأمین شرایط بهتری برای ایالات متحده است. ترامپ تمایل دارد از بند بازنگری شش ساله این توافق‌نامه استفاده کند تا شرایط مطلوب‌تری برای ایالات متحده به دست آورد.

توافق‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) که در سال ۱۹۹۴ امضا شد، یک پیمان تجاری سه‌جانبه بین ایالات متحده، کانادا و مکزیک بود که هدف آن حذف موانع تجاری و تقویت یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای عضو بود. با گذشت زمان، انتقادات مختلفی در مورد تأثیرات آن بر بخش‌های گوناگون مطرح شد که منجر به درخواست‌هایی برای به‌روزرسانی این توافق شد. در ماه مه ۲۰۱۷، ایالات متحده تحت ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به‌طور رسمی کنگره را از قصد خود برای بازنگری در NAFTA آگاه کرد و با اشاره به نگرانی‌هایی در مورد عدم تعادل تجاری و نیاز به به‌روزرسانی مفاد آن برای همگامی با اقتصاد مدرن، این اقدام را آغاز کرد. مذاکرات متعددی انجام شد که موضوعاتی از قبیل تجارت دیجیتال، حقوق کار، استانداردهای زیست‌محیطی و حفاظت از حقوق مالکیت فکری را پوشش می‌داد.

هدف از این مذاکرات ایجاد توافقی متوازن‌تر و عادلانه‌تر برای تمامی طرف‌های درگیر بود. در سپتامبر ۲۰۱۸، سه کشور به توافق نهایی دست یافتند که منجر به امضای توافق‌نامه ایالات متحده-مکزیک-کانادا (USMCA) در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۸ شد. این توافق‌نامه به‌منظور مدرن‌سازی و جایگزینی NAFTA طراحی شده

1-<https://www.wsj.com/livecoverage/harris-trump-election-11-03-04-24/card/trump-threatens-to-hit-mexico-with-25-100-tariffs-YDaqYPeelENWrehcSMrK>

2- America First

و مفاد به‌روزشده‌ای را برای مقابله با چالش‌های تجاری معاصر در بر داشت. پس از تأییدات قانونی در هر کشور، USMCA به‌طور رسمی در تاریخ ۱ ژوئیه ۲۰۲۰ وارد مرحله اجرایی شد و جایگزین NAFTA گردید و قوانین جدیدی برای تجارت و سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو تعیین کرد.

توافق‌نامه USMCA شامل یک بند «بازنگری و تمدید مدت» است که در ماده ۳۴،۷ تعریف شده است. این بند الزام می‌کند که شش سال پس از اجرای توافق‌نامه، در سال ۲۰۲۶، یک بازنگری مشترک بین طرف‌ها صورت گیرد. در این بازنگری، عملکرد توافق‌نامه بررسی شده و ممکن است تصمیم به تمدید آن برای ۱۶ سال دیگر گرفته شود. در صورتی که یکی از طرف‌ها نخواهد آن را تمدید کند، توافق‌نامه به‌صورت سالانه بررسی خواهد شد و هر طرف می‌تواند با اعلام شش ماه قبل از آن، از توافق خارج شود. با این ساختار، دولت ایالات متحده، تحت ریاست‌جمهوری ترامپ، می‌تواند از بازنگری سال ۲۰۲۶ برای پیشنهاد مذاکره مجدد یا اصلاح مفاد USMCA استفاده کند. این فرآیند شامل مشاوره‌های رسمی با کانادا و مکزیک است و هدف آن پرداختن به مسائل خاص یا اهدافی است که ایالات متحده دنبال می‌کند. لازم به ذکر است که هر گونه تغییر پیشنهادی نیاز به توافق متقابل بین سه کشور دارد و فرآیند بازنگری طبق پروتکل‌ها و زمان‌بندی‌های تعیین شده در توافق‌نامه انجام خواهد شد.

کوتاه سخن آن‌که، درحالی‌که USMCA جایگزین NAFTA با مفاد به‌روزشده شده است، مکانیسم بازنگری داخلی آن امکان ارزیابی‌های آتی و مذاکره مجدد احتمالی را فراهم می‌کند و حتی دست ترامپ را برای تمدید سالانه این توافق یا اساساً خروج از آن باز می‌گذارد.^۱

۲،۷. خروج از سازمان تجارت جهانی

افزون بر این، ترامپ امکان خروج از سازمان تجارت جهانی (WTO) را در صورت عدم اصلاحاتی که با منافع ایالات متحده همسو باشد، مطرح کرده است. این موضوع تکرار انتقادات طولانی‌مدت او از تأثیر این سازمان بر تجارت آمریکا است. در جریان کارزار انتخاباتی سال ۲۰۲۴، دونالد ترامپ بار دیگر بر مواضع انتقادی خود نسبت به سازمان تجارت جهانی تأکید کرد و اظهار داشت که این سازمان حاکمیت ایالات متحده را تضعیف کرده و به صنایع آمریکایی آسیب می‌رساند. او وعده داد که در صورت عدم انجام اصلاحات عمده برای رفع این مشکلات، ایالات متحده خروج از WTO را در نظر می‌گیرد.

گزینه نخست ایالات متحده در تعامل با این نهاد در دور دوم ترامپ فشار برای اصلاح آن خواهد بود. ایالات متحده چندین هدف کلیدی برای اصلاحات در WTO تعیین کرده است. نخست، بازنگری در مکانیزم‌های حل اختلاف یکی از اولویت‌های اصلی ایالات متحده است. این کشور خواستار تغییر

1- <https://www.brookings.edu/articles/usmca-review-upcoming-elections-and-a-path-forward/>

در فرآیند حل و فصل اختلافات WTO، به‌ویژه در مورد نهاد استیناف است که به‌زعم ایالات متحده از اختیارات خود فراتر رفته و به حاکمیت ملی آسیب می‌رساند.

افزایش شفافیت و اجرای قوانین یکی دیگر از اهداف ایالات متحده است. بهبود شفافیت در رفتارهای تجاری کشورهای عضو و اطمینان از اجرای دقیق قوانین WTO از دیگر مواردی است که این کشور خواستار آن است. همچنین، مقابله با رویه‌های ناعادلانه تجاری از دیگر موضوعات مهمی است که ایالات متحده به دنبال آن است. هدف این کشور تقویت توانایی WTO در مقابله با مسائلی مانند یارانه‌ها، شرکت‌های دولتی و سایر روش‌هایی است که رقابت منصفانه را مختل می‌کنند.

در صورتی که ترامپ در اصلاح ساختاری سازمان تجارت جهانی توفیق نیابد، ممکن است راه خروج از این نهاد را در پیش گیرد. مشارکت ایالات متحده در WTO براساس توافقات دور اروگوئه سال ۱۹۹۴ تنظیم شده است. از همین رو برای خروج از WTO، مراحل مشخصی باید طی شود. نخست، رئیس‌جمهور باید کنگره را از قصد خود برای خروج از WTO مطلع کند. هرچند توافقات دور اروگوئه به‌طور صریح نیاز به تأیید کنگره برای خروج را تعیین نکرده است، چنین اقدامی احتمالاً موجب دخالت قانون‌گذاران و برگزاری مباحثات و رأی‌گیری برای تأیید یا مخالفت با تصمیم خواهد شد. همچنین، ایالات متحده باید به‌طور رسمی به WTO قصد خود برای خروج را اعلام کند. طبق ماده XV از توافق‌نامه WTO، خروج شش ماه پس از دریافت این اعلامیه مؤثر خواهد شد.

خروج از WTO پیامدهای عمیقی به همراه خواهد داشت. از یک سو، ایالات متحده مزایای توافقات WTO، از جمله حفاظت در برابر رویه‌های تجاری ناعادلانه از سوی سایر کشورها را از دست خواهد داد. از سوی دیگر، این اقدام می‌تواند منجر به افزایش تعرفه‌ها و موانع تجاری از سوی دیگر کشورها شود که به صادرکنندگان و اقتصاد کلان ایالات متحده آسیب می‌زند. خروج از WTO همچنین باعث می‌شود که ایالات متحده نقش تأثیرگذار خود در شکل‌دهی به قوانین و استانداردهای تجارت جهانی را از دست بدهد. با وجود آنکه کارزار انتخاباتی ترامپ نگرانی‌های عمده‌ای در مورد WTO مطرح کرد، فرآیند خروج از این سازمان پیچیده است و با خطرات اقتصادی و ژئوپلیتیکی قابل توجهی همراه خواهد بود.^۱

۳.۷. خروج احتمالی از توافقات نامطلوب و اجرای تعرفه‌های عمومی

در صورتی که مذاکرات مجدد به نتیجه مطلوب نرسد، ترامپ آمادگی خود را برای خروج کامل از توافقات تجاری اعلام کرده است. این رویکرد با هدف حذف توافقاتی است که به باور او باعث ایجاد کسری‌های تجاری و از دست رفتن فرصت‌های شغلی در ایالات متحده می‌شوند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد،

1- <https://www.politico.eu/article/world-trade-organization-wto-chief-ngozi-okonjo-iweala-donald-trump-second-term/>

به‌عنوان بخشی از استراتژی حمایت از صنایع داخلی، ترامپ پیشنهاد اعمال تعرفه‌های عمومی بر واردات را مطرح کرده است. این اقدام با هدف کاهش رقابت‌پذیری کالاهای خارجی در بازار ایالات متحده و تشویق به مصرف محصولات داخلی در نظر گرفته شده است. اعمال این تعرفه‌ها عملاً می‌تواند تمامی موافقتنامه‌های تجاری آمریکا با سایر کشورها را نقض کند.

۸. پاسخ‌های احتمالی چین به انتخاب مجدد ترامپ

برآوردهای اولیه نشان می‌دهد پاسخ‌های اقتصادی چین به انتخاب مجدد دونالد ترامپ چندوجهی بوده و هدف آن کاهش چالش‌های احتمالی ناشی از سیاست‌های پیش‌بینی شده ایالات متحده است. در این راستا، چین اقدامات متعددی را در دستور کار قرار داده است:

۱.۸. بسته‌های محرک مالی

ابتکار عمل محرک مالی چین که معادل ۱,۴ تریلیون دلار است، به‌عنوان یک استراتژی جامع برای حمایت از دولت‌های محلی و تثبیت اقتصاد چین در شرایط تشدید تنش‌های تجاری با ایالات متحده طراحی شده است. هدف اصلی این ابتکار، جلوگیری از رکود اقتصادی و تقویت سرمایه‌گذاری در سیستم اقتصادی کشور است. بسیاری از دولت‌های محلی چین با بدهی‌های پنهان و محدودیت‌های مالی قابل توجهی مواجه هستند و این بسته به‌عنوان یک ابزار اساسی برای حفظ روندهای اقتصادی و مدیریت بدهی‌ها در نظر گرفته شده است.

این طرح از طریق صدور اوراق قرضه توسط مقامات محلی اجرایی می‌شود. اوراق قرضه به‌عنوان ابزارهای مالی عمل می‌کنند که به دولت‌ها این امکان را می‌دهند تا از طریق سرمایه‌گذاران نهادی و عمومی منابع مالی مورد نیاز خود را جذب کرده و با تعهد به بازپرداخت و بهره، سرمایه لازم را تأمین کنند. این اوراق می‌توانند به‌صورت عمومی یا به‌عنوان اوراق با هدف خاص عرضه شوند که تأمین منابع مالی آن‌ها از درآمدهای ویژه‌ای مانند عوارض یا هزینه‌های استفاده حاصل می‌شود.

یکی از مهم‌ترین اهداف این ابتکار، اصلاح بدهی‌های پنهان دولت‌های محلی است که عمدتاً از طریق ابزارهای مالی غیررسمی یا سیستم «بانکداری سایه» شکل گرفته‌اند و در ترازنامه‌ها منعکس نمی‌شوند. انتقال این بدهی‌ها به ترازنامه‌های رسمی، علاوه بر افزایش شفافیت مالی، به بهبود فرآیندهای مدیریتی کمک می‌کند. علاوه بر این، بازتأمین مالی بدهی‌ها از طریق تبدیل تعهدات با نرخ بهره بالا به بدهی‌های با هزینه پایین‌تر، به کاهش بار مالی و تقویت توان مالی دولت‌های محلی کمک خواهد کرد.

این ابتکار پیامدهای مثبتی از جمله افزایش شفافیت مالی، کاهش هزینه‌های تأمین مالی و تقویت رشد اقتصادی به همراه دارد. با کاهش بار بدهی‌ها و بهبود وضعیت مالی، دولت‌های محلی قادر خواهند بود

منابع خود را به پروژه‌های رفاهی و توسعه زیرساخت‌ها اختصاص دهند که در نهایت موجب بهبود رفاه عمومی و تقویت ساختار اقتصادی کشور می‌شود.

با این حال، افزایش بدهی عمومی می‌تواند به همراه خود ریسک‌هایی داشته باشد. موفقیت این برنامه بستگی به توانایی مدیریت صحیح بدهی‌ها و جلوگیری از نکول احتمالی دارد. به همین دلیل، این ابتکار را می‌توان به‌عنوان تلاشی بلندمدت برای اصلاحات ساختاری در نظام مالی چین ارزیابی کرد، تلاشی که با تمرکز بر شفافیت، تخصیص بهینه منابع و ارتقای کارایی اقتصادی، در پی دستیابی به پایداری مالی و اقتصادی است.^۱

۲.۸. تعامل با متحدان آمریکا

در پاسخ به تعرفه‌های پیشنهادی ترامپ، چین به‌طور استراتژیک در پی افزایش تعامل با متحدان ایالات متحده در اروپا و آسیا برآمده است. این کشور به بررسی کاهش تعرفه‌ها و ارائه معافیت ویزا و سرمایه‌گذاری برای این متحدان پرداخته است. هدف این اقدامات، کاهش خسارات اقتصادی ناشی از تعرفه‌های ترامپ و تنوع‌بخشی به بازارهای چین است.^۲

۳.۸. تعدیل در تجارت و صادرات

در ماه اکتبر، صادرات چین شاهد رشد ۱۲٫۷ درصدی نسبت به سال قبل بود که بالاترین رشد در بیش از دو سال گذشته محسوب می‌شود. با این حال، چین انتظار دارد که تاثیر تعرفه‌های ۶۰ درصدی ترامپ بر واردات، در سال آینده احساس شود و ممکن است این تعرفه‌ها صادرات چین را حدود ۳٪ کاهش دهد.^۳

۴.۸. راهبردهای شرکت‌ها

شرکت‌های چینی در حال تنظیم استراتژی‌های خود با توجه به تغییرات احتمالی در سیاست‌های اقتصادی ایالات متحده هستند. به‌عنوان مثال، شرکت CATL که یکی از پیشروهای جهانی در تولید باتری است، در صورتی که دولت ترامپ اجازه دهد، آماده است تا کارخانه‌ای در ایالات متحده تأسیس کند. این اقدام نشان‌دهنده تمایل چین به انطباق با محیط تجاری جدید و حفظ دسترسی به بازار ایالات متحده است.^۴ این اقدامات نشان‌دهنده رویکرد فعال چین برای مدیریت عدم قطعیت‌های اقتصادی ناشی از ریاست جمهوری ترامپ، با تمرکز بر تثبیت داخلی و جستجوی مشارکت‌های بین‌المللی جدید است.

1- <https://www.reuters.com/world/china/eyeing-us-election-china-considers-over-14-trillion-extra-debt-over-next-few-2024-10-29/>
<https://www.ft.com/content/b2feba22-5064-4eb1-84b1-3003cac36def>

2- <https://www.wsj.com/world/china/china-courts-u-s-allies-as-defense-against-trumps-protectionism-e574714e>

3- <https://apnews.com/article/china-exports-trade-economy-4ef80a66c32bdb7d7e65e8d7eaead799>

4- <https://www.reuters.com/business/autos-transportation/china-battery-giant-catl-would-build-us-plant-if-trump-allows-it-2024-11-13>

۹. اتحادیه اروپا: ضربه قاطع؟

اتحادیه اروپا و ایالات متحده بزرگ‌ترین رابطه اقتصادی جهان را دارند، به‌گونه‌ای که ارزش کالاها و خدمات مبادله‌شده بین آن‌ها بیش از ۱ تریلیون یورو در سال است. ایالات متحده ۱۶٪ از صادرات منطقه یورو را جذب می‌کند؛ این سهم در سال ۲۰۱۲ معادل ۱۲٪ بود. در سال ۲۰۲۳، ۲۲٪ از صادرات خدمات اتحادیه اروپا به ایالات متحده انجام شد که نسبت به ۱۸٪ در سال ۲۰۱۴ رشد قابل توجهی داشته است. با توجه به این وابستگی عمیق اقتصادی، تغییرات در سیاست‌های ایالات متحده می‌تواند چالش‌های جدی برای اتحادیه اروپا به همراه داشته باشد. برای مثال، طبق تخمین‌های گلدمن ساکس، سیاست‌های پیشنهادی ترامپ می‌تواند منجر به کاهش ۱ درصدی تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا شوند. تعرفه‌های احتمالی بر صادرات اتحادیه اروپا و ادامه تمرکز بر صنعتی‌سازی مجدد در ایالات متحده، این مشارکت را تهدید کرده و رقابت‌پذیری اروپا را تضعیف می‌کند.

این وضعیت با تنش‌های تجاری میان ایالات متحده و چین پیچیده‌تر می‌شود. اتحادیه اروپا، که ۳۰ میلیون شغل در بخش تولید دارد، در برابر مازاد تولید و استراتژی‌های صادراتی چین آسیب‌پذیر است. این درحالی است که ایالات متحده تنها ۱۳ میلیون شغل تولیدی دارد و بسیاری از آن‌ها در بخش‌هایی مانند فرآوری گوشت متمرکز هستند که کمتر در معرض آسیب قرار دارند. با کاهش صادرات چین به ایالات متحده، بخشی از این سهم بازار توسط اتحادیه اروپا جذب شده است. با این حال، اگر ترامپ تعرفه ۶۰ درصدی جامعی بر واردات چینی اعمال کند، ممکن است شاهد سیل ورود صادرات چینی به بازارهای اروپایی باشیم که صنایع اتحادیه اروپا را تحت فشار قرار می‌دهد.

برای مقابله با این چالش‌ها، برخی تحلیل‌گران معتقدند که اتحادیه اروپا باید همکاری خود با ایالات متحده در مسائل مشترک مانند حفاظت از مالکیت فکری و یارانه‌های صنعتی را حفظ کرده و در عین حال تنوع‌بخشی به شرکای تجاری خود را برای کاهش وابستگی به هر دو قدرت بزرگ در نظر بگیرد. هم‌راستایی استراتژیک با ایالات متحده در حوزه‌های تنظیم مقررات، مانند فناوری و داده، و اتخاذ رویکردی پیشگیرانه در تنوع‌بخشی تجاری می‌تواند به کاهش این فشارها کمک کرده و تضمین کند که اتحادیه اروپا در مواجهه با پویایی‌های متغیر اقتصادی جهانی، مقاومت خود را حفظ کند.^۱

برخی دیگر معتقدند با توجه به احتمال بازگشت دونالد ترامپ به قدرت و تهدیدات تجاری وی، اتحادیه اروپا به شدت آماده است تا در صورت وقوع یک جنگ تجاری بزرگ، واکنش قاطع نشان دهد. شعار کشورهای اتحادیه اروپا در این زمینه چنین است: «یک بار فریب دادن، شرم بر او؛ دو بار، شرم بر ما». رهبران اروپایی پس از تجربه‌ای که در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ داشتند، اکنون متحدتر و مصمم‌تر

1- <https://www.cer.eu/publications/archive/policy-brief/2024/surviving-trump-20-what-does-us-election-mean-europes-economy>

از همیشه برای مقابله با تهدیدات ترامپ آماده‌اند.

۱,۹. استراتژی اتحادیه اروپا

طبق گزارش‌ها، اتحادیه اروپا با رهبری کمیسیون اروپا، استراتژی خاصی برای مقابله با ترامپ در دست دارد. دیپلمات‌های بروکسل اعلام کرده‌اند که این اتحادیه آمادگی دارد تا به سرعت و با قدرت واکنش نشان دهد. یک دیپلمات ارشد اروپایی در این باره گفته است: «ما به سرعت و با قدرت واکنش خواهیم داد.» هم‌چنین، کشورهای اتحادیه اروپا در حال هماهنگی برای اعمال فشار بیشتر بر ایالات متحده هستند. این رویکرد نشان می‌دهد که بروکسل آمادگی بیشتری برای مقابله با سیاست‌های تجاری ترامپ نسبت به گذشته دارد.

۲,۹. تشکیل نیروی واکنش سریع

اتحادیه اروپا برای مقابله با پیامدهای انتخابات ایالات متحده، در تاریخ ۵ نوامبر ۲۰۲۴ یک گروه واکنش سریع تحت ریاست اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، تشکیل داده است. این گروه که به‌طور غیررسمی به «گروه وظیفه ترامپ» معروف است، آماده است تا با تهدیدات تجاری ترامپ مقابله کند. هدف این گروه مقابله سریع‌تر و مؤثرتر با سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی ترامپ است، به‌ویژه در زمینه تعرفه‌ها.

۳,۹. تجربه تلخ ۲۰۱۸ و آمادگی بیشتر اتحادیه اروپا

در سال ۲۰۱۸، هنگامی که ترامپ تعرفه‌هایی بر فولاد و آلومینیوم اتحادیه اروپا اعمال کرد، بروکسل به امید کاهش تنش‌ها تنها به بخشی از این تعرفه‌ها واکنش نشان داد. اما ترامپ با تهدید به اعمال تعرفه بر صادرات خودروهای اتحادیه اروپا، به جای کاهش تنش، آن را تشدید کرد. این تجربه باعث شد که اتحادیه اروپا به‌طور جدی‌تر به سیاست‌های تجاری ترامپ توجه کند و برای مقابله با آنها آمادگی بیشتری پیدا کند.

۴,۹. تمرکز بر مذاکره و فشار به ترامپ

اتحادیه اروپا قصد دارد با اعمال فشار شدید بر ترامپ، او را به میز مذاکره بکشد و در مذاکرات، موقعیت بهتری داشته باشد. دیپلمات‌ها امیدوارند که ترامپ با وجود تهدید به اعمال تعرفه‌های گسترده، به یک راه‌حل مذاکره‌شده دست یابد. یکی از موضوعات احتمالی این مذاکرات، همکاری نزدیک‌تر میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده در مواجهه با چین است.

۵,۹. چشم‌انداز اقتصادی و آمادگی شرکت‌ها

شرکت‌های اروپایی و آمریکایی نیز در حال آمادگی برای یک دوره سخت هستند و پیش‌بینی می‌کنند که جنگ تجاری پیش‌رو ممکن است طولانی و پیچیده باشد. اتحادیه اروپا در حال برنامه‌ریزی برای مقابله با تعرفه‌های جدید است و این سؤال مطرح است که آیا راه‌حلی برای رسیدن به توافقی قابل قبول برای هر دو طرف وجود خواهد داشت یا خیر.^۱

در نهایت، اتحادیه اروپا امیدوار است که از تجربه‌های گذشته خود درس بگیرد و با استراتژی‌های هماهنگ و قدرت‌نمایی، بتواند ترامپ را به سمت یک توافق تجاری منصفانه هدایت کند.

۱۰. نتایج سیاست‌های ترامپ

دولت ترامپ در دوران ن مبارزات انتخاباتی خود وعده‌های بزرگی درباره تغییرات اقتصادی و تجاری داد که در آن زمان با واکنش‌ها و پیش‌بینی‌های متفاوتی از سوی اقتصاددانان روبه‌رو شد. در نخستین گام، ترامپ سیاست‌های تعرفه‌ای خود را با هدف حمایت از صنایع داخلی و کاهش کسری تجاری ایالات متحده اعلام کرد. او وعده داد که تعرفه‌هایی بر واردات کالاها، به‌ویژه از چین، اعمال خواهد کرد. هدف اصلی این سیاست‌ها کاهش وابستگی ایالات متحده به واردات کالاها و همچنین افزایش تولید داخلی عنوان شد. اما پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که این سیاست‌ها ممکن است به نتایج پیش‌بینی شده نرسند. اقتصاددانان برخی از نتایج کوتاه‌مدت این سیاست‌ها را مثبت ارزیابی می‌کنند: کاهش واردات، افزایش درآمدهای تعرفه‌ای و کاهش کسری تجاری. اما این تنها بخشی از تصویر است. در بلندمدت، تغییر تقاضای ایالات متحده از کالاهای خارجی به داخلی، می‌تواند فشار زیادی بر قیمت‌ها وارد کرده و تورم را افزایش دهد. در پی آن، فدرال رزرو مجبور به افزایش نرخ بهره برای کنترل تورم خواهد شد که نتیجه آن تقویت دلار و کاهش صادرات ایالات متحده خواهد بود. اگر چین و اروپا نیز به این سیاست‌ها واکنش نشان دهند، این احتمال وجود دارد که صادرات ایالات متحده آسیب بیشتری ببینند و در نهایت توازن تجاری بهبود نیابد. به عبارت دیگر، سیاست‌های تعرفه‌ای می‌تواند به کاهش کلی فعالیت‌های اقتصادی و تشدید بحران تجاری منجر شود.

یکی دیگر از اهداف ترامپ در زمینه اقتصادی، اخراج مهاجران بدون مجوز از ایالات متحده بود. ترامپ وعده داده بود که سالانه حدود ۱ میلیون مهاجر غیرقانونی را اخراج کند که در مجموع حدود ۱۱ میلیون نفر را شامل می‌شود. این اقدام به‌ویژه در بخش‌هایی چون کشاورزی، ساخت‌وساز و رستوران‌ها که به شدت به نیروی کار مهاجر وابسته‌اند، ممکن است آثار منفی داشته باشد. در صورتی که این اخراج‌ها به طور

1- <https://www.politico.eu/article/eu-donald-trump-trade-war-second-presidency-kamala-harris/>

گسترده انجام شود، انتظار می‌رود که نرخ بیکاری کاهش یابد، اما با کاهش تعداد نیروی کار، شرکت‌ها با کمبود کارگر مواجه خواهند شد که می‌تواند فشار بیشتری به تورم و افزایش دستمزدها وارد کند. این امر فدرال رزرو را مجبور به افزایش بیشتر نرخ بهره خواهد کرد و در نتیجه تقویت دلار را به دنبال خواهد داشت، که برخلاف سیاست‌های ترامپ است.

در سطح جهانی، سیاست‌های تجاری ترامپ با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده است. تهدیدهای ترامپ در زمینه تعرفه‌ها و اقدامات تجاری با سایر کشورها، به‌ویژه چین و اتحادیه اروپا، تأثیرات عمده‌ای بر توازن اقتصادی جهانی خواهد گذاشت. ترامپ با تلاش برای کاهش وابستگی به تجارت جهانی و حمایت از تولید داخلی، در واقع باعث ایجاد تنش‌های بیشتر با شرکای تجاری آمریکا خواهد شد. این سیاست‌ها حتی ممکن است موجب شود که چین و اتحادیه اروپا نیز اقدامات تلافی‌جویانه‌ای را علیه تعرفه‌های آمریکا اتخاذ کنند و اکنش‌هایی به تداوم و تشدید بحران اقتصادی منجر خواهد شد.

پیش‌بینی‌های بلندمدت درباره تأثیرات سیاست‌های ترامپ حاکی از آن است که این سیاست‌ها احتمالاً به نتایج دلخواه او نخواهند رسید. نرخ بهره بالاتر، افزایش تورم و تقویت دلار از جمله عواقب احتمالی این سیاست‌هاست. به‌ویژه اینکه سیاست‌های تجاری ترامپ ممکن است نه تنها به کاهش واردات، بلکه به کاهش صادرات نیز منجر شود و در نهایت منافع اقتصادی حاصل از تعرفه‌ها کاهش یابد. از سوی دیگر، سیاست‌های مهاجرتی ترامپ نیز احتمالاً با مقاومت‌های زیادی از سوی کارفرمایان روبه‌رو خواهد شد. بسیاری از کارفرمایان در بخش‌هایی چون کشاورزی و ساخت‌وساز که به نیروی کار مهاجر وابسته‌اند، ممکن است مجبور به کاهش سرعت اخراج‌ها شوند. در چنین شرایطی، تأثیرات تورمی و افزایش نرخ بهره همچنان ادامه خواهد داشت و این ممکن است باعث شود که ترامپ مجبور به بازنگری در برخی از سیاست‌های خود شود.

در مجموع، با توجه به سیاست‌های اقتصادی ترامپ، پیش‌بینی می‌شود که اقتصاد ایالات متحده در کوتاه‌مدت با تغییراتی روبه‌رو شود. کاهش واردات، افزایش درآمدهای تعرفه‌ای و کاهش کسری تجاری ممکن است در ابتدا نتایج مثبتی داشته باشد، اما در بلندمدت، مشکلات تورمی، افزایش نرخ بهره و کاهش صادرات، چالش‌های بزرگ‌تری را برای اقتصاد ایالات متحده ایجاد خواهد کرد. اگر ترامپ بر همین سیاست‌ها ادامه دهد، ممکن است در کوتاه‌مدت موفق به نشان دادن دستاوردهایی در حوزه تجاری شود، اما در نهایت اثرات منفی آن بر اقتصاد آمریکا به وضوح نمایان خواهد شد.

بنابراین، شاید مهم‌ترین سوال این است که فدرال رزرو چه خواهد کرد. اگر به ماموریت خود پایبند باشد، برخی از امیدهای ترامپ برای استفاده از تعرفه‌ها، اخراج و کاهش مالیات محدود خواهد شد. فدرال رزرو باید از داغ شدن بیش از حد اقتصاد جلوگیری کند، نرخ‌ها را افزایش دهد و باعث تقویت دلار شود.

سوال بزرگ این است که آیا ترامپ می‌تواند فدرال رزرو را مجبور کند که از ماموریت خود دست بکشد و در مواجهه با تورم بالاتر، نرخ‌های بهره پایین را حفظ کند. رئیس فدرال رزرو، جروم پاول، به‌صراحت اعلام کرده است که به ماموریت خود پایبند خواهد ماند و تا پایان دوره ریاست خود که در ماه مه ۲۰۲۶ به اتمام می‌رسد (دوره عضویت او در هیئت مدیره تا سال ۲۰۲۸ ادامه دارد) به عنوان رئیس باقی خواهد ماند. اعضای فعلی هیئت مدیره فدرال رزرو احتمالاً رویکرد متفاوتی نخواهند داشت. با این حال، در ژانویه ۲۰۲۶ یک کرسی در هیئت مدیره خالی می‌شود و ترامپ می‌تواند تلاش کند تا فردی مطیع‌تر را برای این کرسی معرفی کند. اگر این اتفاق بیفتد و هیئت مدیره با او همراهی کند (که بعید به نظر می‌رسد)، نتیجه آن نرخ‌های بهره پایین، افزایش حرارت اقتصادی و تورم بالاتر خواهد بود. با توجه به نارضایتی عمومی از تورم بالا و واکنش بازارهای مالی به از دست رفتن استقلال فدرال رزرو، این امکان می‌تواند باعث شود که ترامپ در پیگیری این گزینه تردید کند.

هم‌چنین، برای پیش‌بینی نتایج سیاست‌های ترامپ باید سایر پیامدهای اقتصادی محتمل که از نظر اقتصاد کلان اهمیت دارند، از جمله مقررات‌زدایی (به ویژه در نظام مالی)، سیاست انرژی، آزادی بیشتر برای صنعت رمز ارز و تأثیرات افزایش عدم قطعیت اقتصادی بر سرمایه‌گذاری و مصرف را بررسی کرد. از منظر اقتصاددانان منتقد، اقتصاد تحت ریاست جمهوری ترامپ ممکن است برای مدتی با رشد قوی ظاهر خوبی داشته باشد. پیش‌بینی یک فاجعه فوری یا سقوط بازار سهام، مانند آنچه برخی در سال ۲۰۱۶ رخ داد، عاقلانه نیست. اما شاید قبل از پایان دوره ترامپ، اثرات مثبت اولیه احتمالاً محو شده و حتی معکوس شوند.

به بیانی خلاصه میزان عملی بودن سیاست‌های تجاری ترامپ به عوامل مختلفی از جمله پیچیدگی‌های قانونی، فنی و سیاسی بستگی دارد. همانگونه که اشاره شد یکی از برجسته‌ترین ایده‌های ترامپ در حوزه تجارت، اعمال تعرفه‌های ۱۰ تا ۲۰ درصدی بر تمامی شرکای تجاری و همچنین تعرفه ۶۰ درصدی بر واردات از چین است. اجرای این سیاست‌ها که ترامپ می‌تواند با استفاده از ابزارهای قانونی موجود مانند تعرفه‌های امنیت ملی یا قانون اختیارات اضطراری اقتصادی به‌صورت یک‌جانبه اعمال کند، نسبتاً آسان به نظر می‌رسند. اگرچه ممکن است کنگره یا دیوان عالی بخواهند با این سیاست مخالفت کنند، اما تجربه قبلی نشان داده که معمولاً چنین مقاومتی شکل نمی‌گیرد. علاوه بر این، ترامپ می‌تواند با ارائه استثناهایی برای شرکت‌های داخلی یا شرکای تجاری خاص، سیاست‌های خود را انعطاف‌پذیرتر کند.

در مقابل، طرح «قانون تجارت متقابل» که تعرفه‌های آمریکا را معادل تعرفه‌های شرکای تجاری تنظیم می‌کند، پیچیدگی‌های بیشتری دارد. این قانون که نیازمند تصویب کنگره است، می‌تواند به بخش‌هایی حساس از اقتصاد آمریکا، مانند کشاورزی، آسیب بزند و مخالفت لابی‌های قدرتمند کشاورزی را به همراه

داشته باشد. با این حال، ترامپ می‌تواند به‌جای تصویب این قانون، از تعرفه‌های یک‌جانبه برای اعمال فشار بر شرکای تجاری استفاده کند.

در زمینه توافق‌نامه‌های تجاری، ترامپ به دنبال ایجاد توافق‌های دوجانبه یا منطقه‌ای است. تجربه موفقیت‌آمیز تغییر نفتا به توافق‌نامه USMCA در دوره اول ریاست‌جمهوری او نشان می‌دهد که چنین طرح‌هایی قابل اجرا هستند. با این حال، مذاکره برای توافق‌های جدید، به‌ویژه با اتحادیه اروپا یا بریتانیا، به دلیل مقاومت لابی‌های داخلی و پیچیدگی تنظیم مقررات دشوارتر خواهد بود.

در حوزه سیاست‌های ارزی، ترامپ طرح‌هایی برای تضعیف دلار به منظور افزایش رقابت‌پذیری صادرات آمریکا مطرح کرده است، اما اجرای این سیاست‌ها به دلیل وابستگی به تصمیمات فدرال رزرو و مقاومت احتمالی آن، چالش‌برانگیز است. بانک مرکزی ممکن است با افزایش نرخ بهره، تأثیر چنین اقداماتی را خنثی کند، و ترامپ تنها فرصت محدودی برای تغییر ترکیب هیئت‌مدیره فدرال رزرو دارد. به‌طور کلی، اگرچه برخی از برنامه‌های ترامپ، مانند اعمال تعرفه‌های گسترده، به‌سادگی قابل اجرا هستند، اما سایر طرح‌ها، مانند ایجاد توافق‌نامه‌های تجاری جدید یا تغییر سیاست‌های ارزی، به دلیل پیچیدگی‌های فنی و مقاومت‌های سیاسی دشوارتر خواهند بود. اجرای این سیاست‌ها، اگر به نتیجه برسند، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد داخلی آمریکا و روابط تجاری جهانی به همراه داشته باشد. با این حال، ترامپ همچنان بر این باور است که سیاست‌های تجاری تهاجمی او می‌توانند جایگاه اقتصادی آمریکا را تقویت کنند و رقابت‌پذیری این کشور را در برابر سایر قدرت‌های اقتصادی جهان افزایش دهند.